

بررسی تأثیر جدایی‌گزینی اکولوژیکی بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان (مطالعه موردی: شورای شهر خرم‌آباد)

علی امیری* - استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان
ماندانا مسعودی راد - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و مدرس گروه جغرافیا و شهرسازی، دانشگاه لرستان
مریم رضایی - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۵/۰۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۱۷

چکیده

در جدایی‌گزینی اکولوژیکی بافت اجتماعی محله‌های شهری با سایر محلات متفاوت است. جدایی‌گزینی بر زندگی و رفتارهای عموم شهروندان (همچون رفتار انتخاباتی شهروندان) مؤثر است. محلات طایفه‌ای شکلی از جدایی‌گزینی اکولوژیکی محسوب می‌شود و یکی از مهم‌ترین مشخصات شهری خرم‌آباد است. هدف از این پژوهش ارزیابی نقش جدایی‌گزینی اکولوژیکی (محلات قومی - طایفه‌ای) بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان در شهر خرم‌آباد است. نوع تحقیق کاربردی، روش بررسی توصیفی - تحلیلی، و جمع‌آوری داده‌ها پیمایشی - کتابخانه‌ای است. تحلیل داده‌ها از طریق آزمون‌های T تک‌نمونه‌ای، دو نمونه‌ای مستقل، و رگرسیون چندگانه انجام شده است. رفتارهای انتخاباتی در چهار محله مطالعه شده است؛ دو محله از نوع محلات قومی و دو محله دیگر فاقد وابستگی‌های قومی بودند. چهار بُعد وابستگی‌های حزبی، تبلیغات، تخصص کاندیداها، و تأثیرات جدایی‌گزینی اکولوژیکی در محلات طایفه‌ای (با زیرمؤلفه‌های منافع محله‌ای مشترک، انتخاب محله‌ای، متابعت محله‌ای، تبلیغات طایفه‌ای بیشتر، و تعاملات اجتماعی) ارزیابی شد. نتایج نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد ساکنان دو محله دره گرم و پشته حسین‌آباد دارای پیوندهای طایفه‌ای نسبتاً یکسان‌اند. نتایج آزمون T دو نمونه‌ای مستقل برای دو گروه - محله طایفه‌ای و غیرطایفه‌ای - بیانگر تفاوت در شاخص‌های اثرگذار بر رفتارهای انتخاباتی است. نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه بیانگر اهمیت دو شاخص تعلقات حزبی و تخصص در نمونه‌های فاقد جدایی‌گزینی است. انتخاب طایفه‌ای در محله‌هایی با جدایی‌گزینی بالا بیش از گروه دیگر است. براساس نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام، تبلیغات طایفه‌ای، متابعت محله‌ای، انتخاب محله‌ای، و تعاملات اجتماعی به ترتیب طی چهار گام قادر به پیش‌بینی انتخاب طایفه‌ای بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جدایی‌گزینی اکولوژیکی، رفتارهای انتخاباتی، شهر خرم‌آباد، طایفه‌گرایی، محلات قومی - طایفه‌ای.

مقدمه

با گسترش و رشد شهرنشینی، پدیده خردفرهنگ‌های قومی و فرهنگی در جهان و به‌ویژه در کشورهای جهان سوم رایج شده و شهرهای امروزی دارای نمایی چندفرهنگی شده است (قرنجیک، ۱۳۹۰: ۳). از جمله پیامدهای ملموس این چندگانگی فرهنگی ایجاد محلات خاص قومی- نژادی در درون شهرهاست که با مفهوم خاص گتو^۱ (محلات اقلیت‌های قومی و نژادی) شناخته می‌شود. با این حال، امروزه مشاهده می‌شود گاه به جای گتو از عبارت تمرکزهای قومیتی استفاده می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۹۹). پیدایش این گتوها در واقع تداعی‌کننده جدایی‌گزینی اکولوژیکی در شهرهاست. می‌توان گفت جدایی‌گزینی موضوعی مهم در بسیاری از شهرهای جهان است، زیرا تمرکز فقر و پیدایش طبقات پایین اجتماعی- اقتصادی را در پی دارد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۷). جدایی‌گزینی اکولوژیکی با توجه به بافت تاریخی و فرهنگی و همچنین ساختار و شکل خاص شهر ابعاد متفاوتی را دربر می‌گیرد (فیتوسا و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۰۰) و جدایی‌گزینی درآمدی، طبقاتی، نژادی، و قومی را مطرح می‌سازد (راردون و اسلیوان، ۲۰۰۴: ۱۲۲).

در میان مراحل جدایی‌گزینی، مهاجرت گروه‌های انسانی و اسکان آن‌ها در محله‌های خاص فضاهای شهری به‌عنوان مرحله بنیادین جدایی‌گزینی اکولوژیکی قابل تبیین است. مهاجران، با هجوم به شهر یا محله مقصد، باعث تقویت گروه‌های هم‌نژادی، قومی، و اقتصادی می‌شوند و از این طریق بر همگرایی، اعتماد، توسعه، و تنوع اکولوژیکی شهر یا برعکس واگرایی، اختلاف، برخورد، و عقب‌ماندگی شهر و محله تأثیر می‌گذارند (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷). مهاجران با کسب اطلاعات اولیه درباره شهر مقصد محل سکونت خود را براساس الگوی متناسب با اوضاع اجتماعی و اقتصادی خود برمی‌گزینند. این مکان‌گزینی ممکن است متأثر از علقه‌های قومی و نژادی باشد که به این ترتیب باعث تقویت گتوهای کوچک یا بزرگ قومی یا نژادی می‌شود (مرصوصی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۷) و نتیجه آن تشدید جدایی‌گزینی فضایی و اکولوژیکی در شهرهاست (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷). در این میان، شناسایی پیامدها و اثرهای این جدایی‌گزینی بر محیط‌های شهری و رفتارهای شهروندان بسیار مهم است (اعظم‌آزاده، ۱۳۸۳: ۲۶). رفتار انتخاباتی، به‌مثابه نوعی کنش سیاسی، عبارت است از کنشی که مردم در انتخابات و رأی‌دادن انتخاباتی با تأثیرپذیری از عوامل مختلف از خود نشان می‌دهند (قجری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۱). در بررسی الگوهای رفتارهای انتخاباتی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ آنچه از مجموع آرا و دیدگاه‌ها برمی‌آید این است که عوامل مختلف و متفاوتی توأمان در رفتار رأی‌دهی افراد مؤثرند. برخی عوامل مؤثر در رفتار انتخاباتی افراد در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱. عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی

منبع: بایی لاشکی و پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸: ۹۶

انتخابات، به‌عنوان یک رفتار سیاسی، مبین مرتبه‌ای از مشارکت سیاسی است که هر جامعه و هر فردی در جامعه براساس فهم سیاسی خود در محیط جغرافیایی برای حمایت، اصلاح، و تغییر در آن شرکت می‌کند و بخشی از اراده مردم را در اداره امور به حکومت واگذار می‌نماید (بایی لاشکی و پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸: ۹۳). در این میان گروه‌های قومی- نژادی (به‌ویژه در محلات قومی- طایفه‌ای) می‌توانند به‌گونه‌ای خاص مسئله انتخابات را تحت تأثیر رفتار خود قرار دهند.

اینکه شهروندان براساس چه معیار و مؤلفه‌هایی به انتخاب کاندیداها می‌پردازند در نتایج انتخابات تأثیرگذار است. اما انتخابات و تکیه بر رأی‌گیری عمومی، به‌عنوان اولین سنگ بستر دموکراسی، همیشه و در هر مکانی از روی درایت و انتخاب فردی نیست؛ به‌طوری‌که وجود عصبیت‌های قومی / قبیله‌ای، وفاداری به نظام‌های ایلی - خانوادگی، و اعتقادات خاص ایدئولوژیک در بسیاری جوامع جهانی تا حدودی توانسته بر تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی تأثیر بگذارد و آن را به سمت رسیدن به یک انتخاب جمعی بر پایه هویت فرهنگی خاص سوق دهد (شمس‌الدینی، ۱۳۸۹: ۱۱).

بدین صورت که در هنگامه انتخابات کسانی که عضو یک ایل و طایفه‌اند، ورای داشتن هرگونه مرام سیاسی و اعتقادات ایدئولوژیک، بر مبنای حس «تعلق طایفه» یا «تعلق مکانی» به شخص هم‌طایفه‌ای خود رأی می‌دهند. چه بسا با پیروزی، قومیت و طایفه خاص در انتخابات از امتیاز بیشتری برخوردار می‌شود. به عبارت دیگر، شرکت در انتخابات نه با تکیه بر آگاهی افراد، بلکه به روابط خاص‌گرایی، عاطفی، و سنتی بودن جامعه برمی‌گردد و نماینده نیز در یک خاص‌گرایی ویژه منابع مادی و خدماتی را به سمت آن‌ها سوق می‌دهد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۷۴). بنابراین، این عصبیت قومی / قبیله‌ای با اتکا بر هویت همبستگی جمعی افراد (به‌منظور دستیابی به اهداف خاص) است که تعیین‌کننده فرهنگ سیاسی و انگیزه انتخاب کاندیدای موردنظر در پاره‌ای از مناطق کشور است. شهرهای مبتنی بر نظام طایفه‌ای اگرچه وارد مرحله شهرنشینی شده‌اند، بسیاری عناصر سنتی مثل طایفه‌گری در این شهرها نقش اصلی را داشته و این روابط انسانی دیرینه بنیادی برای روابط سیاسی و اجتماعی شده و در برخی موارد حتی به اداری نیز تبدیل شده است. مکان و خصوصیات محله‌ای از عوامل مؤثر بر انتخابات به‌شمار می‌آیند؛ تا جایی که پژوهشگران (به‌ویژه در شهرهایی با بافت طایفه‌ای) خصوصیات مکانی و محله‌ای را یکی از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده انتخابات می‌دانند، زیرا ویژگی‌های مکانی می‌تواند جدایی‌گزینی و رفتارهای خاص‌گرایانه در انتخابات را تقویت کند. با این حال، رویکردهای جغرافیایی و ابعاد مکانی مؤثر در انتخابات عمدتاً در پژوهش‌ها نادیده گرفته شده است. این در حالی است که جغرافیای شهری می‌تواند تفسیر جدیدی از تقسیمات اجتماعی و فضایی انتخابات را به‌نمایش بگذارد. به همین دلیل، در این مطالعه تأکید بر آن است که بیش از هر چیز متغیرهای مکانی مؤثر بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان ارزیابی و تحلیل شود، زیرا با این روش می‌توان ماهیت نابرابری فضایی مشارکت در انتخابات را به شکل شفاف‌تری نشان داد.

شهر خرم‌آباد، به‌عنوان یکی از شهرهای بزرگ کشور، نیز با مسئله تأثیر روابط قومی - طایفه‌ای در انتخابات روبه‌رو بوده و این امر در بعضی موارد نمود عینی و فضایی هم داشته است؛ بدین صورت که برخی از محلات این شهر دارای بافت و نظام طایفه‌ای است و اکثریت آن متشکل از طایفه‌ای خاص است. این امر به شکل‌گیری نوعی جدایی‌گزینی در سطح شهر در غالب «محلات طایفه‌ای» منجر شده است. این جدایی فضایی - مکانی خود بسیاری از امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد که یکی از این موارد مسئله انتخابات به‌ویژه در مقیاس انتخابات شورای شهر است. انتخاب‌های مبتنی بر عاطفی‌بودن و سنتی‌بودن جامعه، خاص‌گرایی و طایفه‌گرایی در دوره‌های مختلف، بر مدیریت شهری، تصمیمات، توسعه، و آینده شهر خرم‌آباد به‌عنوان یک مسئله مطرح است. باوجود این، در کنار مسائل قومیتی، هم‌زمان عوامل و مؤلفه‌های دیگری نیز در انتخاب افراد مؤثر است. با توجه به اینکه در برخی محلات دیگر شهر، که تمرکز طایفه‌ای وجود ندارد یا به نسبت خیلی کم‌رنگ‌تر است، و درواقع جدایی‌گزینی قومی - نژادی دیده نمی‌شود، افراد ممکن است براساس ملاک‌ها و معیارهای دیگری همچون تخصص و سطح تحصیلات، تبلیغات، حزب‌گرایی و ... دست به انتخاب بزنند. بر همین اساس، در این پژوهش سعی شده است با در نظر گرفتن برخی شاخص‌ها به مقایسه تطبیقی دو گروه محلات طایفه‌ای و غیرطایفه‌ای در شهر خرم‌آباد بپردازیم.

ذکر این نکته لازم است که بررسی خصوصیات مکانی و محله‌ای، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده انتخابات، و نوآوری پژوهش وجه تمایز این مطالعه با پژوهش‌های پیشین است. در این مطالعه سعی شده

است تأثیر ویژگی‌های مکانی بر جدایی‌گزینی و رفتارهای خاص‌گرایانه در انتخابات بررسی شود. چنین رویکردی با داشتن اصالت جغرافیایی ابعاد مکانی مؤثر در انتخابات را برجسته‌تر خواهد کرد؛ بعد جغرافیایی و مکانی که عمدتاً در پژوهش‌ها دیده نشده است. این دیدگاه می‌تواند تفسیر جدیدی از تقسیمات اجتماعی و فضایی انتخابات را به‌نمایش بگذارد و ماهیت نابرابری فضایی مشارکت در انتخابات را به‌شکل شفاف‌تری نشان دهد.

به‌منظور بررسی ابعاد مکانی مؤثر بر انتخابات در شهر خرم‌آباد از محلات قومی - طایفه‌ای دو محله دره گرم و پشته حسین‌آباد با نمود بارز فضایی - مکانی جدایی‌گزینی انتخاب شد. همچنین، از محلات فاقد تعلقات طایفه‌ای نیز دو محله مطهری و شیرخورگاه برای مقایسه بررسی شد. این دو گروه محلات انتخاب شده‌اند تا بررسی شود آیا مسئله جدایی‌گزینی اکولوژیکی (در شکل محلات طایفه‌ای) رفتارهای طایفه‌گرایی را در انتخابات شورای شهر خرم‌آباد تقویت کرده است؟ سؤال دیگر این است که جدایی‌گزینی اکولوژیکی چگونه و تا چه اندازه می‌تواند مسئله انتخابات (خاصه انتخابات شورای شهر خرم‌آباد) را تحت تأثیر خود قرار دهد؟ نهایتاً کدام شاخص‌ها و عوامل در این دو دسته از محلات در رفتارهای انتخاباتی شهروندان نقش مؤثرتری دارند؟

پیشینه پژوهش

موضوع رفتارهای انتخاباتی همواره از سوی پژوهشگران علوم مرتبط (جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و ...) مورد توجه بوده و هر یک از دیدگاه خود به آن پرداخته‌اند، ولی در رابطه با بحث جدایی‌گزینی اکولوژیکی و تأثیر آن بر روی رفتارهای انتخاباتی از دیدگاه علم جغرافیا، در قالب یک پژوهش مشخص و مستقل، مطالعات بسیار اندکی انجام گرفته است. در جدول ۱ به تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها مرتبط با بحث اشاره می‌شود.

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش‌های مربوط به تأثیر جدایی‌گزینی اکولوژیکی بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان

عنوان پژوهش	مؤلف	سال	نتیجه / توضیح
مکان‌های اجتماعی، مکان‌های فضایی، و رأی‌دادن در انتخابات عمومی ۱۹۹۷ بریتانیا ارزیابی منابع پشتیبانی از محافظه‌کاری	جانستون و همکاران	۲۰۰۱	بررسی وابستگی‌های درونی مکان‌های اجتماعی و فضایی و تأثیر آن‌ها بر نحوه رأی‌دهی مردم؛ محیط‌های اجتماعی محلی افراد (همچون طبقه افراد و سایر مسائل مرتبط) محل زندگی مردم و همسایگان به اندازه‌ای تعلق به طبقات اجتماعی رأی‌دهندگان در انتخابات مؤثر است.
حمایت حزبی و تأثیرات همسایگی: قطبی‌سازی فضایی انتخابات بریتانیا، ۱۹۹۱-۲۰۰۱	جانستون و همکاران	۲۰۰۴	آن‌ها نشان دادند که نه تنها اثرهای همسایگی در الگوی انتخاباتی سراسر دهه ۱۹۹۰ مؤثر بوده، بلکه تأثیر آن‌ها بر انتخابات از مهم‌ترین عوامل مؤثر در انتخاب حزب بوده است.
منطقه‌بندی جغرافیایی و تاریخی در برابر جغرافیای انتخاباتی	هایدو کیویچ	۲۰۱۱	عوامل مهم اجتماعی مانند قومیت، مذهب و زبان مادری و تأثیر آن‌ها بر ترجیحات انتخاباتی تجزیه و تحلیل شده است؛ این عوامل (به‌ویژه آن‌ها که با جوامع قومی - زبانی و مذهبی مرتبط‌اند) در بلندمدت تکامل یافته‌اند.
تأثیر احتمالی نهادها: فرمول‌های انتخاباتی، قطبی‌سازی قومی، و کیفیت انتخابات	کولو	۲۰۱۴	به بررسی تأثیر نهادهای انتخاباتی بر دموکراسی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد میان فرمول‌های انتخاباتی و قطبی‌سازی قومی رابطه‌ی تعاملی وجود دارد.
با کمی کمک از همسایگان: تحلیل فضایی مبارزات انتخاباتی محلی در انتخابات عمومی ۲۰۱۰ بریتانیا	کاتز و همکاران	۲۰۱۴	به نظر این نویسندگان، تحلیل‌های فضایی از حوزه‌های انتخاباتی می‌تواند در شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد انتخاباتی احزاب مؤثر باشد.
مسائل فضایی: تنوع جغرافیایی عوامل مشارکت در انتخابات شهرداری لندن در سال ۲۰۱۲	منسلی و دمسار	۲۰۱۵	رویکردهای جغرافیایی مؤثر در انتخابات نادیده گرفته شده‌اند. فرایندهای انتخاباتی در فضاهای جغرافیایی و به‌دلیل فرایندهای اجتماعی متفاوت‌اند.
مطالعات جغرافیایی شهری از انتخابات تفسیر جدیدی از تقسیمات اجتماعی و فضایی شناخته‌شده همراه خواهد داشت.	چارنی و مالکینسون	۲۰۱۵	مطالعات جغرافیایی شهری از انتخابات تفسیر جدیدی از تقسیمات اجتماعی و فضایی شناخته‌شده همراه خواهد داشت.
بین جغرافیای انتخابات و شهری: الگوهای انتخابات و طایفه‌گرایی با تأکید بر روند انتخابات مجلس پنجم تا هشتم شورای اسلامی	شمس‌الدینی	۱۳۸۹	نتایج پژوهش این محقق بیانگر نقش آفرینی پُررنگ هویت طایفه‌ای در گزینش نماینده در کلیه دوره‌های رأی‌گیری بوده است. به‌زعم وی، دلیل تلاوم چنین وضعیتی، پایداری به اصول ناثوخته ایلی در راستای برخورداری از منافع شخصی و عمومی است.
فرهنگ سیاسی - قبیله‌ای و مشارکت سیاسی در استان ایلام	مسعودنیا و مهدی‌پور	۱۳۸۹	نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، به‌رغم شیوه‌های نوین تعیین سرنوشت قانونی همچنان تعصبات قومی و انگیزه‌های طایفه‌ای بیش از آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی تأثیر گذارند.
تأثیر ویژگی‌های محلی بر انتخابات در شهرستان ممسنی	گرچی‌زاده و گل‌پرور	۱۳۹۰	نتایج پژوهش این محققان حاکی از آن است که به‌سبب وجود نقش بی‌بدیل نمایندگان در انتصابات دولتی، طایفه‌گرایی در دو دهه اخیر تشدید شده است.
بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوهای رأی‌دهی؛ نمونه: شهرستان نورآباد	رومی‌نیا و صادقی	۱۳۹۴	گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی در الگوی رأی نماینده‌ها نقش داشته است؛ بدین صورت مقوله طایفه‌گرایی پایگاه حمایتی اطمینان‌بخشی برای نمایندگان منتخب به‌شمار می‌رود.
تحلیل رابطه طایفه‌گرایی اجتماعات محلی با توسعه سیاسی	سجاسی قیباری و همکاران	۱۳۹۵	نگرش‌های محلی طایفه‌ای یکی از عوامل کلیدی و مؤثر در توسعه‌یافتگی سیاسی بوده و به‌علت عبور از مراحل توسعه سیاسی نظیر انتخابات، به تثبیت نظام فکری طایفه‌گرایی منجر شده است.
الگوی فضایی مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری (خراسان جنوبی)	علماران و همکاران	۱۳۹۵	یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری در استان خراسان بررسی شد و سپس انتخابات دوره‌های دهم و یازدهم به‌تفکیک آرای کاندیداها در سطح شهرستان‌های این استان تحلیل شد.
سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران	شهرام‌نیا و همکاران	۱۳۹۶	نتایج این مقاله نشان می‌دهد میان شبکه‌بندی اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

مبانی نظری پژوهش

جدایی‌گزینی اکولوژیکی

به‌طور معمول، مردم در جوامع شهری در مجاورت افرادی زندگی می‌کنند که منزلت اجتماعی برابری با آن‌ها دارند. از این‌رو، ساختارهای اجتماعی محلات شهری از یکدیگر متفاوت‌اند؛ گروه‌های کم‌درآمد در محلات فقیر زندگی می‌کنند و گروه‌های پردرآمد محلات و حومه‌های سالم و زیبای شهرها را انتخاب کرده‌اند. چنین الگوی سکونتی، که در آن افراد متفاوت دارای سکونتگاه‌های متفاوتی هستند، جدایی‌گزینی گفته می‌شود (تولایی و یاری، ۱۳۹۰: ۸۶). می‌توان گفت جدایی‌گزینی به چگونگی طبقه‌بندی اجتماعی و جغرافیایی گروه‌ها وقتی که در جامعه به‌صورت جداگانه زندگی می‌کنند می‌پردازد (شالا و کواینو، ۲۰۰۷: ۱۵). به عبارت دیگر، جدایی‌گزینی در شهرها از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که ساکنان شهرها از نظر درآمد، مذهب، نژاد، و پایگاه اجتماعی-اقتصادی به دسته‌ها و گروه‌های گوناگون تقسیم می‌شوند (اسفندیاری خلوت و بابایی اقدم، ۱۳۹۲: ۱). این مسئله به شکل‌گیری حوزه‌های همسان اجتماعی در شهرها منجر می‌شود (بابایی اقدم و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۳). بنابراین، مفهوم جدایی‌گزینی به تفکیک فزاینده میان فقیر و غنی، گروه‌های مذهبی، قومی، درآمدی، و کاهش اندازه طبقه متوسط اشاره دارد (فیرمن، ۲۰۰۴: ۳۵۰).

درواقع، تمایزات اجتماعی-فضایی جدید براساس عوامل گوناگون همچون ساختار جمعیتی، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، و سطح درآمد موجب به‌وجودآمدن الگوهای خاص و خوشه‌های مختلف و متفاوتی در شهرها شده است (لی و کوآن، ۲۰۱۱: ۴۶۹). بر این اساس، هر گروهی با پایگاه اجتماعی، اقتصادی برابر، و اعتقادات مذهبی یکسان یا هم‌نژادبودن گرد هم می‌آیند و منطقه یا محله‌ای را برای سکونت خود انتخاب می‌کنند (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۰). متعاقب چنین مسائلی، واژگانی چون «شمال شهر» و «جنوب شهر» یا محله‌بندی، لایه‌بندی، و مرزبندی‌های اجتماعی پدید می‌آید. می‌توان گفت جدایی‌گزینی اکولوژیکی در شهرها از جمله مسائلی است که تحت تأثیر فرایندهای مختلف و در طی زمان شکل می‌گیرد. چگونگی شکل‌گیری این فرایند در ارتباط با فضاهایی است که روابط اجتماعی در درون محیط‌های جغرافیایی را در زمان‌های مختلف تعریف کرده و رابطه دیالکتیکی را با افراد، جامعه، ایدئولوژی حاکم، علایق، خواسته‌ها، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در همان جامعه برقرار می‌کند. بر همین اساس، می‌توان علت جدایی‌گزینی اکولوژیکی را در عوامل متعددی نظیر پایگاه اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، قومی، اقتصادی خانوارها و شهروندان جست‌وجو کرد (تیموری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). همچنین، مطالعه جدایی‌گزینی به‌طور کلی با این هدف مورد توجه قرار گرفته است که بتواند درکی از مکان‌یابی افراد در فضاهای اجتماعی ایجاد کند (واتس، ۲۰۰۵: ۱۶۶). نظریه اکولوژی شهری به تبیین چنین گروه‌بندی‌ها و جدایی‌گزینی‌هایی می‌پردازد (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶) و روابط متقابل گروه‌های انسانی را در محیط‌های مختلف شهر و چگونگی جدایی‌گزینی جمعیت شهر و ساخت فضاهای مورد استفاده آن‌ها را بررسی و تحلیل می‌کند (مافی، ۱۳۹۱: ۹۹). در همین چارچوب، جدایی‌گزینی اکولوژیکی اغلب طی مراحل انجام می‌گیرد که به‌طور خلاصه عبارت‌اند: ۱. نفوذ؛ در این مرحله شمار اندکی از افراد و خانواده‌هایی که از نظر قومی، نژادی، مذهبی، و زبانی با بیشتر مردم متفاوت‌اند وارد منطقه‌ای از شهر می‌شوند؛ ۲. هجوم؛ در این مرحله شمار زیادی از خانواده‌ها و افراد همان گروه به منطقه‌ای از شهر وارد می‌شوند که قبلاً تعدادی از افراد و خانواده‌های هم‌گروه‌شان اشتغال کرده‌اند؛ ۳. تثبیت؛ در این مرحله ادامه مهاجرت و اقامت در منطقه اشتغال شده به جامعه کوچک مهاجران در یک شهر حالت ثبات و اقامت دائمی می‌دهد؛ ۴. تراکم و توده‌شدن؛ تعداد خانواده‌های مهاجران نه تنها تثبیت می‌شود، بلکه روزبه‌روز به تعداد آن‌ها افزوده می‌شود (بابایی اقدم و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۷۹). درواقع، مهاجران با ورود به شهر مقصد محله‌ای را برای زندگی انتخاب می‌کنند که متأثر از پایگاه اجتماعی، اقتصادی، و علقه‌های قومی آن‌هاست. این انتخاب سبب شکل‌گیری گتوهایی در نقاط مختلف شهر می‌شود که نتیجه آن جدایی‌گزینی

فضایی و اکولوژیک در شهرهاست. این جدایی‌گزینی سبب تحولات و پیامدهای مثبت و منفی در بُعد اجتماعی زندگی شهری می‌شود (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۴). یکی از نتایج و تأثیراتی که این جدایی‌گزینی در روابط اجتماعی در شهرها می‌تواند همراه داشته باشد مسئله انتخابات و رفتارهای شهروندان در ارتباط با این فعالیت مدنی است.

رفتارهای انتخاباتی

مسئله انتخابات و تحلیل رفتار انتخاباتی مردم در یک کشور یا یک منطقه جغرافیایی، به‌عنوان یک رفتار سیاسی، از مباحث بسیار مهمی است که توجه اندیشمندان مختلف در علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی، جامعه‌شناسی، و روان‌شناسی را به خود جلب کرده است (بایی لاشکی و پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۸: ۹۵). هر یک از این شاخه‌ها و نظریه‌پردازان مرتبط تلاش می‌کنند مؤلفه‌های مؤثر بر این فعالیت را تجزیه و تحلیل کنند و هر یک از دیدگاه خود نوع و چگونگی رفتار انتخاباتی را توضیح می‌دهند (سوری قرلیوند، ۱۳۹۰: ۴).

رفتار انتخاباتی در واقع نوعی کنش سیاسی است که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، با پس زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جامعه مرتبط است و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد (محمدی انابی، ۱۳۹۱: ۴). رفتار انتخاباتی بر چگونگی انتخاب نامزدها از سوی شهروندان دلالت دارد. رفتار انتخاباتی مردم تبیینگر تقاضاها و خواسته‌های سیاسی و اجتماعی آن‌هاست که می‌تواند دیدگاه‌ها و نگرش‌های موجود را به کاندیدای نمایندگی تفهیم کند. اینکه شهروندان براساس چه معیار و مؤلفه‌هایی به انتخاب کاندیداها می‌پردازند در نتایج انتخابات تأثیرگذار است. رفتار انتخاباتی مردم از مهم‌ترین وجوهی است که نوع جامعه سیاسی را معلوم می‌سازد و چگونگی ساختار آن را تبیین می‌کند (نیک‌فر و اکبری، ۱۳۹۴: ۳۲۸). در مشارکت سیاسی مسئله این است که چه عواملی مردم را به شرکت در انتخابات ترغیب می‌کند، اما در بحث رفتار سیاسی رأی‌دهندگان پرسش این است که چه عاملی باعث می‌شود رأی‌دهندگان به این تصمیم برسند که به حزب یا شخص خاص رأی دهند (محمدی انابی، ۱۳۹۱: ۱).

از نیمه دوم قرن بیستم دانشمندان کوشیده‌اند علل و انگیزه‌های مشارکت سیاسی و خصوصاً مشارکت انتخاباتی را بررسی کنند و در این زمینه نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است. این بحث ریشه در تجارب طولانی انتخابات در کشورهای غربی دارد (عبداله، ۱۳۸۸: ۸۹). آندره زیگفرید را نخستین کسی می‌دانند که در میان دو جنگ جهانی به بررسی رفتار رأی‌دهندگان فرانسوی پرداخت. اما شناخته‌شده‌ترین تحقیقات از سوی مرکز تحقیقات میشیگان انجام شده است. به تدریج، بررسی نتایج انتخابات کشورهای مختلف نمایی کلی از جناح‌بندی‌های سیاسی را در نقاط مختلف کشورها نشان می‌داد (بایی لاشکی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۵). این امر پژوهشگران را بر آن داشت تا عنصر جغرافیا را متغیری مستقل در توضیح رفتار رأی‌دهندگان به‌شمار آورند. مطالعات پس از جنگ جهانی دوم نشان داد رفتار رأی‌دهندگان فراتر از منطقه جغرافیایی است؛ به طوری که رفتار رأی‌دهندگان را به‌عنوان پدیده‌ای با متغیرهای مختلف فردی، اجتماعی، و حتی جغرافیایی می‌توان مورد توجه قرار داد (عبداله، ۱۳۸۸: ۸۹). به‌هرحال، امروزه رفتار انتخاباتی همچون دیگر فعالیت‌های بشری نمی‌تواند به‌تنهایی و صرفاً توسط یک دیدگاه یا نظریه واحد تبیین شود، زیرا این موضوع و فاعل مرجع این مسئله شخصیت انسانی است و انسان‌ها تحت تأثیر شرایط مختلف فکری، زمانی، و مکانی رفتارهای مختلفی از خود بروز می‌دهند (سوری قرلیوند، ۱۳۹۰: ۱). به عبارت دیگر، با توجه به اینکه رفتار رأی‌دهندگان چندوجهی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی انجام می‌گیرد، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی درباره تحلیل رفتار رأی‌دهندگان توسط محققان ارائه شده است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

نظریه هویت حزبی - جناحی

نظریه هویت حزبی مبتنی بر دلبستگی روان‌شناختی مردم به احزاب است و وابستگی حزبی مهم‌ترین متغیر تبیین آرای

رأی‌دهندگان است (سیبرر، ۲۰۱۰: ۴۸۷). این‌گونه دلبستگی‌ها به‌شکل عضویت یا هواداری از حزب، سازمان، و انجمن نمود می‌یابد و همین دلبستگی فرد باعث می‌شود رأی‌دهنده وفاداری گروهی را جانشین قضاوت سیاسی کند. درواقع، افراد با فکر خود رأی نمی‌دهند، بلکه استانداردهای دوستان، همکاران، و طبقه است که راهنمایی می‌کنند به چه کسی رأی دهند (گلی و مهکویی، ۱۳۹۳: ۲۰۲). بر اساس این نظریه، تبلیغات انتخاباتی چندان تأثیری در تغییر گرایش‌های مردم ندارد، زیرا مردم پیش از انتخابات دارای علقه‌هایی عاطفی با احزاب مورد علاقه‌شان می‌باشند. از این‌رو، هر نامزدی که از سوی حزب محبوب معرفی شود طرفداران به آن رأی خواهند داد و اساساً خواسته حزب خواسته رأی‌دهنده نیز هست. در این نظریه، آرای افراد تا حد زیادی موروثی است؛ یعنی گرایش به یک حزب خاص و محبوب به صورت نسل به نسل در خانواده‌ها جریان دارد و فقط حوادث اجتماعی بزرگ می‌توانند این گرایش را دست‌خوش تغییر و تحول قرار دهند (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱).

نظریه جامعه‌شناختی

الگوی جامعه‌شناختی اولین بار توسط پل لازارسفلد^۱، جامعه‌شناس معروف، و گروه تحقیقاتی وی در دانشگاه کلمبیا عرضه شد. لازارسفلد بر آن است که فرد از نظر سیاسی آن‌گونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن به‌سر می‌برد؛ عوامل اجتماعی تعیین‌کننده گرایش‌های سیاسی افرادند (حیدری و آرایش، ۱۳۹۴: ۱۷۱). از دیدگاه آن‌ها، رأی‌دهندگان دارای گرایش‌های سیاسی ثابتی هستند که ریشه در محیط خانوادگی، زندگی شغلی، و محیط فرهنگی آن‌ها دارد (بابی لاشکی و پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸: ۹۵). همچنین، تیلور^۲ و جانستون^۳، مطابق این نظریه، در کتاب *جغرافیای انتخابات* به تأثیر جغرافیای انسانی و مکانی در رفتارهای انتخاباتی پرداختند. از نظر آن‌ها، محل سکونت افراد و مجموعه دوستان و همسایگان تأثیر قابل توجهی در گرایش‌های سیاسی افراد در انتخابات دارد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۸۶). برادول^۴ عواملی چون محل سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قوم، و دین را با میزان مشارکت مؤثر می‌داند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰). درواقع، این دیدگاه بر این مبنا استوار است که آنچه توانسته افراد را تشویق کند تا در انتخابات شرکت کنند و به منتخب موردنظر رأی دهند شرایط اجتماعی، محیطی، اقتصادی، و فرهنگی افراد رأی‌دهنده است (طالبان و میرزایی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). زیرا بین گرایش‌های سیاسی افراد در انتخابات و شرایط اجتماعی و محیط رابطه مستقیمی وجود دارد (هی‌وود، ۲۰۰۲: ۲۴). بنابراین، اگر بخواهیم تحلیل درست و واقع‌بینانه‌ای از انتخابات موردنظر داشته باشیم، باید شرایط اجتماعی، محیطی، اقتصادی، و فرهنگی رأی‌دهندگان را مطالعه کنیم. بر این اساس، تبلیغات انتخاباتی نیز چندان تأثیری در گزینش رأی‌دهندگان ندارد، بلکه رأی‌دهندگان مدت‌ها پیش از شروع تبلیغات انتخاباتی گزینه موردنظر خود را انتخاب کرده‌اند (طالبان و میرزایی، ۱۳۹۰: ۱۳۹). به‌طور خلاصه، در تحلیل‌های جامعه‌شناسانه به انگیزه‌های فردی کمتر توجه می‌شود و تلاش می‌شود تا استمرار و ثبات گرایش‌های سیاسی مناطق مختلف با استفاده از عواملی فراتر از فرد توضیح داده شود (عبداله، ۱۳۸۸: ۹۰).

نظریه انتخاب عقلایی

نظریه انتخاب عقلانی با انتقادات شدید نسبت به دو نظریه گذشته درصدد است با پُررنگ‌ترکردن نقش افراد مستقل رفتار انتخاباتی را تجزیه و تحلیل کند. طبق این نظریه، افراد موجوداتی کاملاً عقلانی‌اند که براساس منافع خودشان دست به انتخاب می‌زنند. افراد می‌توانند تشخیص دهند کدام گزینه مناسب‌تر است. بنابراین، فرد نقش مهمی در انتخاب کاندیداها دارد و ممکن است براساس انگیزه‌های مختلفی از جمله انگیزه اقتصادی دست به انتخاب بزند. در این نظریه افراد سعی

1. Lazarsfeld
2. Tylor
3. Johnston
4. Broadwell

دارند به شخص یا اشخاصی رأی دهند که بیشترین منافع آن‌ها را تأمین می‌کنند و براساس سود و زیان خودشان عمل می‌کنند (گلی و مهکویی، ۱۳۹۳: ۲۰۲). همچنین، در این نظریه تبلیغات انتخاباتی نقشی بسیار تعیین‌کننده، حساس، و مؤثر در جذب آرای مردم بازی می‌کند، زیرا افراد به‌صورت مستقل‌اند و گرایش آنان از قبل تعیین‌شده نیست. کی، وربا، نی، و دیگران از جمله اندیشمندی هستند که این نظریه را مطرح کرده‌اند. آن‌ها برآن‌اند که، با توجه به گسترش سطح سواد و آگاهی مردم در جوامع گوناگون، رأی‌دهندگان سعی می‌کنند خود را از وابستگی‌هایی که تا به حال وجود داشته خارج کنند و خود به‌صورت مستقل تصمیم بگیرند (حیدری و آرایش، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

نظریه ایدئولوژی مسلط (با تأکید بر رسانه)

نظریه ایدئولوژی مسلط به‌عنوان نظریه رادیکال رفتار انتخاباتی نگریسته می‌شود (حیدری و آرایش، ۱۳۹۴: ۱۷۴). مهم‌ترین شاخصه این نظریه این است که انتخاب فردی به‌شدت تحت تأثیر ایدئولوژی مسلط و رسانه‌های گروهی قرار دارد. رسانه‌های گروهی به‌ویژه تلویزیون نقش اساسی در این نظریه بازی می‌کنند (شهرام‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۷). یعنی هرچند افراد خود انتخاب می‌کنند، انتخاب‌های فردی با کنترل ایدئولوژیکی شکل می‌گیرند و انتخاب افراد تحت تأثیر آموزشی است که حکومت می‌دهد (گلی و مهکویی، ۱۳۹۳: ۲۰۲). با توجه به دیدگاه‌ها و نظریات مطرح‌شده، می‌توان گفت مؤلفه‌هایی نظیر خاستگاه طبقاتی، محیط جغرافیایی سکونت، وابستگی‌های حزبی، جناحی و صنفی، نگرش‌های فردی (که ممکن است از تعلقات قومی، زبانی، جنسیتی، یا اعتقادات مذهبی نشئت گرفته باشد)، و نیز عملکرد رسانه‌ها، کارزارهای تبلیغاتی احزاب، و کاندیداها از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری شهروندان به‌شمار می‌روند (صادقی جقه، ۱۳۹۴: ۱۰۱).

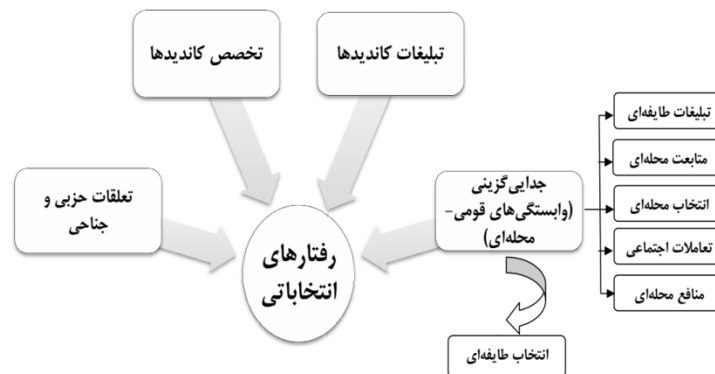
تأثیر جدایی‌گزینی اکولوژیکی بر رفتارهای انتخاباتی

جدایی‌گزینی اکولوژیکی در محلات شهری هم جنبه مثبت دارد هم جنبه منفی. از یک سو، باعث هم‌گرایی و یک‌پارچگی گروه‌های انسانی می‌شود و به تقویت ارتباطات مکانیکی و عمیق منجر می‌شود و از سوی دیگر، باعث تعصبات، اختلافات، تفکیک مسائل و مشکلات اجتماعی در محلات شهری می‌شود (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳). به عبارت دیگر، جدایی فضایی و مکانی در یک جامعه یا زندگی اقشار و گروه‌های ویژه شهری در محدوده‌ای معین مثل محله و منطقه همراه با عدم تماس با سایر اقشار به حاکمیت فاصله اجتماعی در میان خانواده‌های شهری می‌انجامد. این جدایی اگرچه به ارتباطات و مراودات عمیق افراد یک ناحیه کمک می‌کند، با تقسیم شهر به قطعاتی مجزا به فواصل فیزیکی و خصوصاً اجتماعی و فرهنگی منجر می‌شود که در زندگی جمعی در سطحی وسیع‌تر از یک منطقه یا به عبارتی در یک جامعه شهری اختلال ایجاد می‌نماید. درواقع، می‌توان گفت در صورتی که جدایی‌گزینی فضایی - مکانی به جدایی کامل گروه‌ها و اقشار اجتماعی منجر شود، تعاملات و تماس‌های درون‌گروهی شدت پیدا می‌کند و در مقابل ارتباطات خارجی آن‌ها کاهش می‌یابد. در این صورت، مشارکت مدنی دچار اختلال می‌شود و فرهنگی محلی و محدود جای‌گزین آن می‌شود. نتیجه چنین حالتی قطبی‌شدن فضای اجتماعی جامعه است (اعظم‌آزاده، ۱۳۸۲: ۳۰).

بدین ترتیب، جدایی کامل یا اختلاط غیرطبیعی اقشار و خرده‌فرهنگ‌ها نتایج مثبتی برای روابط اجتماعی شهری یا مسائل مدنی دربر نخواهد داشت (اعظم‌آزاده، ۱۳۸۲: ۳۱). از آنجا که در بیشتر نواحی جغرافیایی رفتارها، نگرش‌ها، و عقاید اجتماعی - سیاسی مردم شهر تحت تأثیر شرایط محله مسکونی و ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی به‌ویژه اکولوژی اجتماعی قرار می‌گیرد، در امر انتخابات نیز رأی مردم از اوضاع خاص اجتماعی و اقتصادی فضای شهری تأثیر می‌پذیرد (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۳۹). بنابراین، مسئله جدایی‌گزینی اکولوژیکی به‌شدت رفتارهای انتخاباتی شهروندان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در جوامعی که مسائل قومی و نژادی پُررنگ‌اند و بنیان‌های اجتماعی جوامع براساس طایفه‌گرایی و خویشاوندی شکل گرفته، مسئله انتخابات و بازتاب‌های آن شکل ویژه‌ای دارد. در این مناطق، روابط انسان‌ها با توجه به مناسبات قومی شکل می‌گیرد.

به عبارتی، تنها حلقه‌ای که افراد، گروه‌ها، و اقوام را به هم نزدیک و مرتبط می‌کند علقه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای است. بعد از مسکن‌گزینی، ضمن اینکه این همبستگی قومی - طایفه‌ای همچنان به قوت خود باقی می‌ماند، رابطه مکانی به‌عنوان یک عامل قوی ثانوی بر آن افزوده می‌شود. بنابراین، علقه‌های خویشاوندی، رابطه مکانی، و ویژگی‌های اجتماعی درهم می‌آمیزد و در نهایت محیط‌هایی با ویژگی‌های قومی، اجتماعی، و مکانی خاص خود به‌وجود می‌آورد (مهدوی، ۱۳۹۲: ۷). شکل‌گیری چنین محیط‌هایی با جدایی‌گزینی خاص اکولوژیکی در مشارکت‌های سیاسی و به‌ویژه در هنگامه انتخابات به‌شدت فضای انتخاباتی و رفتارهای شهروندان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بدین صورت که نگرش‌های محلی و طایفه‌ای برخاسته از فضای اکولوژیکی خاص عاملی مهم و تأثیرگذار در روند انتخابات است. در این شهرها خویشاوندگرایی و احساس تعلق به محله و طایفه از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این مجموعه فرد به‌تنهایی قابل تصور نیست، بلکه فرد همان طایفه و محله تلقی می‌شود. در این فرهنگ ارزیابی فرد منوط به موقعیت طایفه و محله اوست و نقش‌هایی که به وی واگذار می‌شود منحصرأً به وی تعلق نمی‌گیرد، بلکه کل طایفه و محله را نیز شامل می‌شود. بنابراین، وقتی عضوی از یک چنین نظامی ارتقای اجتماعی می‌یابد، درحقیقت کل طایفه و محله او ارتقا می‌یابد. می‌توان گفت یکی از موانع اصلی در راه توسعه همه‌جانبه (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و ...) شهرهای امروز ایران قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی است که در وقت انتخابات شوراهای اسلامی یا مجلس شورای اسلامی نه‌تنها در تقابل با احزاب و تشکل‌های مدنی عمل می‌کنند، بلکه جای‌گزین آن‌ها می‌شوند. در این نگاه اگرچه رأی‌دهندگان در انتخابات فرد شایسته را می‌شناسند، به‌صرف این‌که وابستگی طایفه‌ای یا محله‌ای با آن‌ها ندارد، وی را انتخاب نمی‌کنند. زیرا رأی‌دهندگان بر این گمان‌اند که کاندیدای مورد حمایت آن‌ها به‌واسطه همانندی‌های هویتی (مکانی و اجتماعی) با آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش و آفرینش امکانات و فرصت‌های بیشتری برای پیشرفت ساکنان محله و شهر باشد (رومینا و صادقی، ۱۳۹۴: ۹۲).

درواقع، در جریان انتخابات مختلف و در چارچوب ساختارهای اجتماعی - اقتصادی حاکم بر عرصه‌های یک سرزمین، رأی‌دهندگان ممکن است از مؤلفه‌های متفاوتی همچون گرایش‌های سیاسی ثابت، ویژگی‌های فردی و شخصیتی، توجه به برنامه‌ها و اهداف، وابستگی‌های حزبی - خانوادگی، تبلیغات، و نقش وسایل ارتباط جمعی و همچنین عضویت در گروه‌های قومی و تعصب بر هویت مکانی/ فرهنگی خاص برای تصمیم‌گیری و رأی‌دهی به نامزدهای موردنظر استفاده کنند (شمس‌الدینی، ۱۳۸۹: ۱۳). در شهرها و محلات مبتنی بر نظام طایفه‌ای مشارکت سیاسی و رأی‌دهی بر مبنای تعصب و هویت قومی/ طایفه‌ای یکی از انگیزه‌های افراد برای شرکت در انتخابات است. بنابراین، جدایی‌گزینی فضایی و اجتماعی می‌تواند جریان انتخابات را متأثر سازد. بر همین اساس، در این پژوهش برای بررسی و سنجش میزان تأثیر جدایی‌گزینی اکولوژیکی بر رفتارهای انتخاباتی از چهار شاخص اصلی - جدایی‌گزینی اکولوژیکی (وابستگی‌های قومی - محله‌ای)، تبلیغات، میزان تخصص کاندیداها، و تعلقات حزبی و جناحی - استفاده شده است.



شکل ۲. عوامل و شاخص‌های مؤثر بر رفتار انتخاباتی شهروندان

روش پژوهش

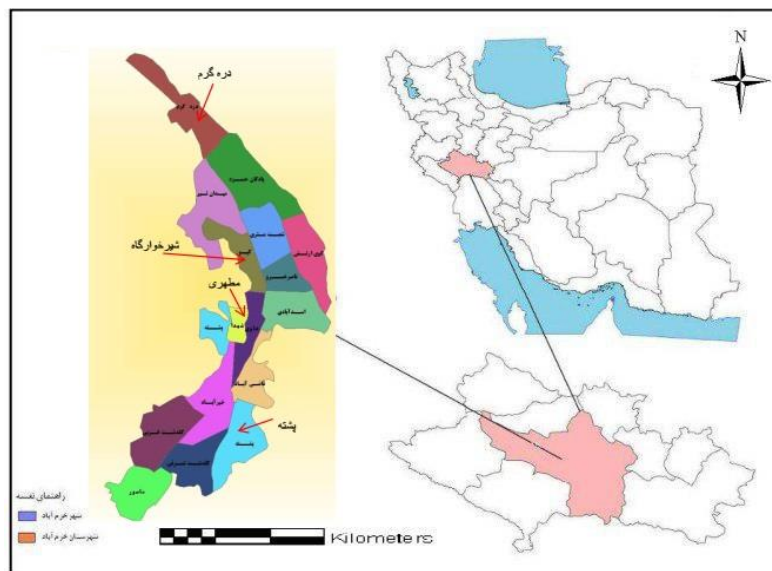
پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز عبارت‌اند از: پرسش‌نامه، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مشاهدات میدانی، مصاحبه با کارشناسان متخصص، مجلات و کتب مرتبط با موضوع. برای بررسی این موضوع، نخست داده‌های مورد نیاز به روش اسنادی و تحلیلی مطالعه شد؛ بدین شکل که پس از مطالعه ادبیات نظری، شاخص‌های فضایی و غیرفضایی مؤثر بر رفتارهای انتخاباتی استخراج شد (جدول ۲) و با توجه به ماهیت پژوهش و اهداف تحقیق یک پرسش‌نامه برای ساکنان محلات موردنظر تهیه شد؛ جامعه آماری پژوهش همه خانوارهای شهر خرم‌آباد است. حجم نمونه با استفاده از مدل کوکران ۳۸۳ نفر تعیین شد و پرسش‌نامه‌ها حداقل در چهار نمونه برای مقایسه بهتر نتایج توزیع شد. از میان این چهار نمونه دو نمونه دارای تعلقات طایفه‌ای قوی‌تر و دو نمونه دیگر تعلقات کمتری داشتند. ضمناً با توجه به نامتجانس بودن نمونه‌ها، برای افزایش پایایی پژوهش، تعداد نمونه‌ها بیشتر در نظر گرفته شد. در این پژوهش واحد نمونه‌گیری خانوار است. نمونه به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد؛ به این صورت که در هر چهار نمونه به‌منزله خوشه در نظر گرفته شد. سپس، در هر خوشه چند بلوک به تصادف انتخاب شد و در هر بلوک چند خانوار به شیوه تصادفی سیستماتیک نمونه‌گیری و از آن‌ها پرسش شد. ضمن آنکه در روش نمونه‌گیری روش تسهیم (نسبت به جمعیت) اعمال شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، به تناسب فرضیه‌ها و مقیاس متغیرها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS، از آزمون‌های متناسب توصیفی و استنباطی استفاده شد. ضمن آنکه متناسب با فرضیات، سوالات، و اهداف پژوهش، از روش‌هایی همچون رگرسیون چندمتغیره، آنالیز واریانس یک‌طرفه، و T دونمونه‌ای مستقل استفاده شد.

جدول ۲. شاخص‌ها و گویه‌های موردسنجش برای بررسی تأثیر جدایی‌گزینی اکولوژیکی در رفتارهای انتخاباتی شهروندان

شاخص	گویه‌های مربوطه
تبلیغات	نقش تصاویر تبلیغاتی و ظاهر کلی نامزدها، تأثیر نظرسنجی‌های هفته‌های پایانی انتخابات، تأثیر شبکه‌های اجتماعی (تلگرام، اینستاگرام، توئیتر، و ...)، نقش تبلیغات دوستان / همکاران / همکلاسی‌ها در انتخاب افراد
وابستگی حزبی و جناحی	نقش تفکرات سیاسی کاندیدا در انتخاب افراد، وابستگی کاندیدا به جناح راست / چپ، عقاید کاندیداها در ارتباط با موضوعات سیاسی، تأثیر روزنامه‌ها و سایت‌های احزاب و روشنفکران بر انتخابات
تخصیص	میزان تخصیلات و مرتبط بودن آن با شورای شهر، سابقه اجرایی و عملکردی کاندیدا، برنامه‌های ارائه شده به‌وسیله کاندیدا
وابستگی طایفه‌ای و محلی	مشورت با هم‌محله‌ای‌ها درباره انتخابات شورای شهر، ارتباط با هم‌محله‌ای‌ها در فضای مجازی (تلگرام و ...) در راستای بحث درباره انتخابات شورای شهر، توجه به پیشنهاد هم‌محله‌ای‌ها در انتخاب کاندیدای موردنظر، مؤثر بودن تبلیغات هم‌طایفه‌ای در جذب آرای محله، انتخاب کاندیدای موردنظر به جهت سکونت در محله، میزان خویشاوندی طایفه‌ای افراد محله، اعتقاد به پیروزی کاندیدای هم‌محله‌ای یا هم‌طایفه‌ای در جهت ضمانت منافع شخصی، اعتقاد به پیروزی کاندیدای هم‌محله‌ای یا هم‌طایفه‌ای در راستای ضمانت منافع محله اعتقاد به پیروزی کاندیدای هم‌محله‌ای یا هم‌طایفه‌ای در جهت ضمانت منافع شهر، مشابهت ملاک شما و هم‌محله‌ای‌هایتان برای انتخاب کاندیدا، دانستن وابستگی طایفه‌ای به‌عنوان ملاک هم‌محله‌ای‌هایتان برای انتخاب کاندیدا، طایفه‌ای به‌عنوان ملاک شما برای انتخاب کاندیدا، قبول داشتن ملاک قراردادن طایفه‌گرایی هم‌محله‌ای‌هایتان در انتخابات، مؤثر دانستن انتخاب هم‌طایفه‌ای در افزایش قدرت طایفه - وعده بهبود محله‌تان از سوی کاندیدای موردنظر، استخدام اطرافیان از سوی کاندیدای موردنظر، مؤثر دانستن پیروزی کاندیدای موردنظران در بهبود وضع محله، بیشتر بودن تبلیغات کاندیدای هم‌طایفه‌ای در محله شما، برگزاری جلسات متعدد از سوی هم‌محله‌ای‌های شما برای کاندیدای هم‌طایفه‌ای، اعتقاد به بیشتر بودن رأی کاندیدای موردنظران در محله شما به جهت هم‌طایفه‌ای بودن، بیشتر بودن رأی طایفه‌ای خاص به جهت تبلیغات پُررنگ در این محله، شرکت کردن در جلسات تبلیغاتی کاندیداها در سطح محله، تأثیر جلسات تبلیغی در محله بر نحوه انتخاب، بیشتر بودن تبلیغات هر طایفه در بخشی از شهر

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه شهر خرم‌آباد مرکز استان لرستان است. این شهر با موقعیت ریاضی ۴۸ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی و عرض ۳۳ درجه و ۲۹ دقیقه شمالی در ارتفاع ۱۱۷۱ متری از سطح دریا قرار دارد (شکل ۳). شهر خرم‌آباد از طرف شمال به شهرستان‌های سلسله و از شمال شرق به بروجرود و از شرق به الیگودرز و درود و از جنوب به پلدختر و از غرب به کوه‌دشت و چگنی منتهی می‌شود. جمعیت شهر خرم‌آباد، طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، ۳۷۳،۴۱۶ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). مساحت محدوده فعلی شهر حدوداً ۳۸۸۵/۱ هکتار است (مهندسان مشاور بعد تکنیک: ۱۳۹۱). در شکل ۳ موقعیت محلات در سطح شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۵ به تفکیک مناطق شهری مشخص شده است. در این پژوهش چهار محله از مناطق سه‌گانه شهر خرم‌آباد به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد؛ بدین صورت که به مقایسه تطبیقی دو محله دره گرم و پشته حسین‌آباد به‌عنوان محلاتی که مسائل طایفه‌ای و قومی در آن‌ها به نسبت پررنگ‌تر است با دو محله مطهری و شیرخوارگاه که مسائل قومیتی در آن‌ها کمتر دیده می‌شود پرداخته شده است.



نقشه ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه

بحث و یافته‌ها

برای بررسی تأثیر جدایی‌گزینی اکولوژیکی بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان (نمونه موردی: شورای شهر خرم‌آباد)، پرسش‌نامه‌ای تهیه شد و گویه‌های پیش‌فرض این پرسش‌نامه براساس طیف لیکرت تدوین شد. برای کسب اطمینان از روایی آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه این پژوهش در جدول ۳، ۰/۷۴ گزارش شده است. بنابراین، پایایی پرسش‌نامه مطلوب ارزیابی می‌شود. جدول ۴ اطلاعات مربوط به چگونگی پراکنش قومی در محله‌های مورد مطالعه براساس تعلقات طایفه‌ای به درصد را نشان می‌دهد.

جدول ۳. میزان آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه

تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
۵۱	۰/۷۴

جدول ۴. اطلاعات مربوط به چگونگی پراکنش قومی در محله‌های مورد مطالعه براساس تعلقات طایفه‌ای به درصد

نام محله	دره گرم	شیرخوارگاه	پشته حسین‌آباد	مطهری
طوایف حسونند، دلفان، کولیوند	۰/۸۱۰	۰/۲۸۰	۰/۰۷۰	۰/۱۸۰
بالاگریوه، پاپی، و طوایف نزدیک	۰/۰۳۱	۰/۱۰۰	۰/۴۴۰	۰/۱۱۰
سکوند، بیرانوند	۰/۰۰۹	۰/۲۸۰	۰/۴۰۰	۰/۲۳۰
چگنی و طوایف نزدیک	۰/۰۳۱	۰/۰۹۰	۰/۰۶۰	۰/۰۵۰
سایر طوایف	۰/۰۳۱	۰/۰۳۰	۰/۰۲۰	۰/۲۰۰
عدم تعلقات طایفه‌ای	۰/۰۰۰	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۷۰

تعلقات طایفه‌ای

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد دو محله دره گرم با بیش از ۸۱ درصد به طوایف حسونند، دلفان، کولیوند، و سایر اقوام نزدیک متعلق بوده‌اند. همچنین، در محله پشته حسین‌آباد دو گروه طوایف بالاگریوه، پاپی، و طوایف نزدیک و همچنین طوایف سکوند و بیرانوند ۸۴ درصد جمعیت محله را تشکیل می‌دهند. همچنین، در دو محله شیرخوارگاه و مطهری چنین تمرکز قومیتی دیده نمی‌شود؛ به نحوی که در محله شیرخوارگاه ۱۹ درصد و در محله مطهری ۳۷ درصد افراد پرسش‌شونده خود را متعلق به هیچ طایفه‌ای ندانسته‌اند. ضمناً در این محلات انبوهی هیچ یک از طوایف از ۳۰ درصد فراتر نرفته است. در این بخش از پژوهش نتایج حاصل از آزمون آماری T دونمونه‌ای مستقل در جدول ۵ قابل ملاحظه است.

جدول ۵. نتایج آزمون T دونمونه‌ای مستقل برای مقایسه عوامل مؤثر بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان در محلات قومی و محلات فاقد وابستگی‌های قومی

شاخص‌ها	آماره‌ها		Sig(2-tailed)	حد	نتیجه آزمون
	F	sig			
تعلقات حزبی و جناحی	۳/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	بالا	رد H ₀
میزان تخصص‌کandidا	۴/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۰	بالا	رد H ₀
تبلیغات‌کandidا	۲/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۶	پائین	رد H ₀
جدایی‌گزینی اکولوژیک (وابستگی‌های قومی - محله‌ای)	۳/۵۵	۰/۰۰	۰/۰۰	بالا	رد H ₀
انتخاب طایفه‌ای	۱/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	بالا	رد H ₀

عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی شهروندان

مطابق جدول ۵، در همه ابعاد موردسنجش، مقدار sig در هر دو حالت با واریانس‌های مساوی و نامساوی کمتر از آلفا (۰/۰۵) است. بنابراین، فرض H₀ در همه موارد در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد رد و فرض H₁ تأیید می‌شود. مطابق این نتایج، نوع محله (طایفه‌ای بودن یا نبودن محله) در کلیه شاخص‌های موردنظر به‌جز تأثیر تبلیغات‌کandidا، سایر شاخص‌ها (تعلقات حزبی و جناحی‌کandidاها، میزان تخصص‌کandidا، جدایی‌گزینی اکولوژیک (وابستگی‌های قومی - محله‌ای) و انتخاب طایفه‌ای) مؤثر است. به عبارت دیگر، با فرض واریانس‌های مساوی و نامساوی همه شاخص‌های گفته‌شده (به‌جز تأثیر تبلیغات‌کandidا با Sig= ۰/۰۶، که بیانگر میزان یکسان این شاخص در هر دو گروه محلات است)، سایر شاخص‌ها در دو گروه محلات یکسان نبوده و نوع محله به لحاظ قومی بودن یا عدم تعلق به طایفه خاص در نحوه انتخاب شهروندان شهر خرم‌آباد مؤثر است. برای دستیابی به نتایج بهتر، هر چهار محله محلات با آزمون آنالیز واریانس بررسی شد. نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه برای مقایسه شاخص تعلقات حزبی بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان در همه چهار محله مورد مطالعه در جدول ۶ ارائه شده است.

براساس نتایج آنالیز واریانس برای شاخص تعلقات حزبی (جدول ۶) در محلات چهارگانه مورد مطالعه، مشاهده

می‌شود که اختلاف معناداری میان میزان تعلقات حزبی در نمونه‌های موردبررسی وجود دارد. زیرا سطح معناداری به‌دست‌آمده (۰/۰۰) برای این آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. مقدار F برابر ۱۴/۰۰ محاسبه شده است. بنابراین، می‌توان گفت نوع محله در میزان تعلقات حزبی آن مؤثر است.

براساس نتایج جدول ۷، از نظر شاخص میزان تبلیغات در محلات چهارگانه مورد مطالعه، اختلاف معناداری میان تبلیغات در نمونه‌های موردبررسی وجود ندارد. سطح معناداری به‌دست‌آمده (۰/۵۱) برای این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. مقدار F برابر ۰/۴۸ محاسبه شده است. بنابراین، میزان تبلیغات در محلات موردنظر تفاوتی ندارد.

نتایج جدول ۸ در مورد میزان شاخص تخصص در محلات مورد مطالعه حاکی از آن است که اختلاف معناداری میان تخصص در نمونه‌های موردبررسی وجود ندارد. سطح معناداری به‌دست‌آمده (۰/۵۳) برای این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. مقدار F برابر ۰/۰۰ محاسبه شده است. بنابراین، می‌توان گفت تخصص در محلات مختلف تفاوتی ندارد.

جدول ۶. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه برای مقایسه شاخص تعلقات حزبی بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان در چهار محله منتخب شهر خرم‌آباد

نام محلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
دره گرم	۱۲۰	۲/۱۰	۰/۲۸۶	۱۴/۰۰	۰/۰۰
شیرخوارگاه	۱۲۰	۳/۰۰	۰/۳۸۴		
پشته حسین‌آباد	۱۲۰	۲/۰۱	۰/۳۵۰		
مطهری	۱۲۰	۴/۰۸	۰/۳۲۴		

جدول ۷. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میزان تبلیغات در چهار محله منتخب شهر خرم‌آباد

نام محلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
دره گرم	۱۲۰	۲	۰/۲۸۶	۰/۴۸	۰/۵۱
شیرخوارگاه	۱۲۰	۲	۰/۳۸۴		
پشته حسین‌آباد	۱۲۰	۲	۰/۳۵۰		
مطهری	۱۲۰	۲	۰/۳۲۴		

جدول ۸. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میزان تخصص در چهار محله منتخب شهر خرم‌آباد

نام محلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
دره گرم	۱۲۰	۳/۶۵	۰/۲۳۵	۰/۰۰	۰/۵۳
شیرخوارگاه	۱۲۰	۴/۰۰	۰/۴۵۲		
پشته حسین‌آباد	۱۲۰	۳/۴۲	۰/۶۲۱		
مطهری	۱۲۰	۴/۲۵	۰/۳۴۱		

جدول ۹. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میزان جدایی‌گزینی شهروندان در چهار محله منتخب شهر خرم‌آباد

نام محلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
دره گرم	۱۲۰	۳/۴۸	۰/۳۲۱	۴۸/۰۶۵	۰/۰۰
شیرخوارگاه	۱۲۰	۲/۴۲	۰/۲۵۴		
پشته حسین‌آباد	۱۲۰	۳/۷۰	۰/۴۸۲		
مطهری	۱۲۰	۲	۰/۴۵۲		

جدول ۱۰. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه برای مقایسه میزان انتخاب طایفه‌های شهروندان در محله‌های مورد مطالعه شهر خرم‌آباد

نام محلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
دره گرم	۱۲۰	۳٫۵۴	۰٫۲۱۵	۴۳٫۰۰	۰٫۰۰
شیرخوارگاه	۱۲۰	۲٫۶۴	۰٫۴۶۲		
پشته حسین‌آباد	۱۲۰	۳٫۶۷	۰٫۲۶۳		
مطهری	۱۲۰	۲	۰٫۳۲۸		

درباره شاخص جدایی‌گزینی در محلات چهارگانه مورد مطالعه (نتایج جدول ۹)، با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰) و مقدار F برابر ۴۸/۰۶۵ برای این آزمون، اختلاف معناداری میان میزان انتخاب طایفه‌های شهروندان در نمونه‌های مورد بررسی وجود دارد. با توجه به نتیجه آنالیز واریانس، نوع محله در میزان جدایی‌گزینی آن مؤثر است.

مطابق نتایج جدول ۱۰ و با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰) و مقدار F برابر ۴۳/۰۰ برای این آزمون، اختلاف معناداری میان میزان انتخاب طایفه‌های شهروندان در نمونه‌های مورد بررسی وجود دارد. با توجه به این نتایج، میزان رأی طایفه‌ای در محلات مختلف متفاوت است. چنانچه قبلاً گفته شد، جغرافیای شهری می‌تواند تفسیر جدیدی از تقسیمات اجتماعی و فضایی انتخابات فراهم آورد؛ مطابق آن، می‌توان فضای اکولوژیکی مشخصی را در قالب محلاتی با میزان جدایی‌گزینی معنادار در شهر مشخص کرد. در شهر خرم‌آباد چنین محلاتی با ویژگی‌های قومی- طایفه‌ای، اجتماعی، و مکانی مشخص وجود دارد. در این بخش سعی شده است میزان تأثیرات جدایی‌گزینی اکولوژیک (محلات قومی- طایفه‌ای) بر نحوه انتخابات طایفه‌ای بررسی شود. به همین جهت، در گام بعدی برای شناسایی میزان تأثیر متغیرهای مکانی جدایی‌گزینی اکولوژیک (شامل تعاملات اجتماعی، تبلیغات طایفه‌ای، متابعت محله‌ای، منافع محله‌ای، و انتخاب محله‌ای) بر انتخاب طایفه‌ای در محلات با وابستگی‌های طایفه‌ای از آزمون رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شده است. جدول ۱۱ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام تأثیر متغیرهای مکانی جدایی‌گزینی بر انتخاب طایفه‌ای در دو محله دره گرم و پشته حسین‌آباد را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام تأثیر متغیرهای مکانی جدایی‌گزینی بر انتخاب طایفه‌ای در محله‌های دارای تعلقات قومی- طایفه‌ای

الگوها	گام‌ها	متغیرهای پیش‌بین	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب خطای برآورد استاندارد	آماره- F	سطح معنی‌داری (Sig)
	۱	تبلیغات طایفه‌ای	۰٫۴۵۶	۰٫۳۴	۰٫۳۳	۱۱۰٫۰۰	۰٫۰۰
گام به	۲	تبلیغات طایفه‌ای + متابعت محله‌ای	۰٫۴۵۸	۰٫۴۲	۰٫۲۱	۱۰۸٫۰۰	۰٫۰۰
گام	۳	تبلیغات طایفه‌ای + متابعت محله‌ای + انتخاب محله‌ای	۰٫۵۱۱	۰٫۴۹	۰٫۲۳	۷۸٫۰۵	۰٫۰۰
	۴	تبلیغات طایفه‌ای + متابعت محله‌ای + انتخاب محله‌ای + تعاملات اجتماعی	۰٫۳۵۲	۰٫۵۱	۰٫۱۵	۵۶٫۰۰	۰٫۰۰

با توجه به مقادیر بالای F، مشخص می‌شود این رگرسیون از معناداری بسیار بالایی برخوردار است. چنان‌که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، طی چهار گام، تبلیغات طایفه‌ای، متابعت محله‌ای، انتخاب محله‌ای، و تعاملات اجتماعی قادر به پیش‌بینی انتخاب طایفه‌ای بوده‌اند. بر پایه آنچه در جدول ۱۱ ارائه شده، طی گام اول، فقط تبلیغات طایفه‌ای با ضریب بتای استاندارد ۰٫۴۵۶، ۳۴ درصد از واریانس انتخاب طایفه‌ای را تبیین کرده است. در گام دوم متابعت محله‌ای با ضریب بتای

استاندارد ۰/۲۰، به تبلیغات طایفه‌ای (با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۵۶) افزوده شده و توان تبیین انتخاب طایفه‌ای را به ۰/۴۲ درصد رسانده که از این مقدار، ۰/۴۳ درصد به صورت انحصاری مربوط به انتخاب طایفه‌ای بوده است. در گام سوم انتخاب محله‌ای با ضریب بتای استاندارد ۰/۱۳۴، به تبلیغات طایفه‌ای و متابعت محله‌ای (با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۵۸) و متابعت محله‌ای با ضریب بتای ۰/۲ افزوده شده و توان تبیین انتخاب طایفه‌ای را به ۰/۴۹ درصد رسانده که از این مقدار، ۰/۲۶ درصد به صورت انحصاری مربوط به انتخاب محله‌ای بوده است. در گام چهارم نیز تعاملات اجتماعی با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۵، به تبلیغات طایفه‌ای، متابعت محله‌ای، و انتخاب محله‌ای (با ضریب بتای استاندارد ۰/۵۱۱) افزوده شده و توان تبیین انتخاب طایفه‌ای را به ۰/۵۱ درصد رسانده که از این مقدار، ۰/۳۰ درصد به صورت انحصاری مربوط به تعاملات اجتماعی بوده است. ذکر این نکته لازم است که منافع محله‌ای با $\text{sig} > 0.05$ از تحلیل کنار گذاشته شده است.

جدول ۱۲. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد پیش‌بینی رفتارها از طریق متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون

مقادیر ثابت و پیش‌بین	ضریب بتای غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب بتای استاندارد	مقدار T	معناداری
مقدار ثابت	۰/۵۷۱	۰/۲۸۲	-	۲/۰۲	-
تبلیغات طایفه‌ای	۰/۶۶۸	۰/۰۹۰	۰/۴۴۶	۷/۴۰	۰/۰۴۰
مقدار ثابت	-۰/۵۸۰	۰/۴۵۳	-	-۱/۲۸	-
تبلیغات طایفه‌ای	۰/۶۵۳	۰/۰۸۹	۰/۴۳۶	۷/۳۷	۰/۰۴۰
متابعت محله‌ای	۰/۴۵۷	۰/۱۴۳	۰/۲۰	۳/۲۰	۰/۰۲۰
مقدار ثابت	۰/۸۶۷	۰/۴۶۹	-	-۱/۸۵	-
تبلیغات طایفه‌ای = x_1	۰/۵۹۶	۰/۰۹۲	۰/۳۹۸	۶/۴۸	۰/۰۴
متابعت محله‌ای = x_2	۰/۴۱۳	۰/۱۴۳	۰/۱۷۱	۲/۸۹	۰/۰۲۰
انتخاب محله‌ای = x_3	۰/۱۹۶	۰/۰۹۱	۰/۱۳۴	۲/۱۵	۰/۰۲۰
تعاملات اجتماعی = x_4	۰/۱۱۵	۰/۰۲۱۳	۰/۴۵	۱/۱۸۹	۰/۰۱۰

بنابراین، معادله رگرسیونی به صورت زیر درآمده است:

$$E(Y|x_1, x_2, x_3, x_4) = 0.867 + 0.596(x_1) + 0.413(x_2) + 0.196(x_3) + 0.115(x_4)$$

نتیجه‌گیری

جدایی‌گزینی فضایی- مکانی یکی از موارد بسیار مهم و تأثیرگذار در محیط‌های شهری و رفتار شهروندان است. جدایی‌گزینی اکولوژیک بر اساس معیارهای قومی- طایفه‌ای، فضاهای درون‌شهری خاصی خلق می‌کند و جغرافیای انتخاباتی ویژه‌ای در شهرها به وجود می‌آورد. برخی پژوهشگران بر این باورند که یکی از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده انتخابات، به‌ویژه در شهرهایی با بافت طایفه‌ای، خصوصیات مکانی و محله‌ای است، زیرا این ویژگی‌های مکانی است که در طی زمان جدایی‌گزینی و رفتارهای خاص‌گرایانه در انتخابات را تقویت کرده است. در این پژوهش، تلاش شده است تفسیر جدیدی از تقسیمات اجتماعی و فضایی انتخابات در شهر خرم‌آباد ارائه شود. شهر خرم‌آباد دارای محلات متمایزی است که به‌واسطه جدایی‌فضایی- مکانی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی شهر را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از این موارد مسئله انتخابات به‌ویژه در مقیاس انتخابات شورای شهر است. انتخاب‌های مبتنی بر عاطفی بودن و سنتی بودن جامعه و خاص‌گرایی و طایفه‌گرایی در دوره‌های مختلف بر مدیریت شهری، تصمیمات، توسعه، و آینده شهر خرم‌آباد به‌عنوان یک مسئله مطرح است.

در این مطالعه، تأثیر شاخص‌هایی همچون تخصص و سطح تحصیلات، تبلیغات، و حزب‌گرایی بر رفتارهای انتخاباتی ساکنان شهر خرم‌آباد بررسی شد. همچنین، تلاش شد به اثرهای مکانی و جغرافیایی جدایی‌گزینی محلات بر رفتارهای انتخاباتی ساکنان شهر خرم‌آباد پرداخته شود. به همین سبب، دو گروه محلات طایفه‌ای (پشته حسین‌آباد و دره گرم) و غیرطایفه‌ای (شیرخورگاه و مطهری) در یک مقایسه تطبیقی بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد بیش از ۸۰ درصد ساکنان دو محله پشته حسین‌آباد و دره گرم دارای پیوندهای طایفه‌ای نسبتاً یکسان هستند. این شرایط محلات نام‌برده را به صورت محلات متمایزی با میزان جدایی‌گزینی مشخص درآورده است. نتیجه آزمون T دونمونه‌ای مستقل بیانگر آن بود که محلات با جدایی‌گزینی بالا (طایفه‌ای) و محلات غیرطایفه‌ای در بیشتر شاخص‌های مورد مطالعه (تعلقات حزبی و جناحی کاندیداها، میزان تخصص کاندیدا، جدایی‌گزینی اکولوژیک (وابستگی‌های قومی - محله‌ای و انتخاب طایفه‌ای) در سطح اطمینان ۹۵ درصد با یکدیگر متفاوت بوده و الگوی انتخاب ساکنان این دو گروه محله‌ها متفاوت بوده است. فقط در شاخص تأثیر تبلیغات کاندیدا در شهر تفاوتی میان محلات مورد بررسی دیده نمی‌شود. این نتیجه مؤید دیدگاه پیشگاهی‌فرد و همکاران (۱۳۹۳) و طالبان و میرزایی (۱۳۹۰) است؛ این نویسندگان اذعان کرده‌اند که تبلیغات انتخاباتی چندان تأثیری در پیش‌بینی رفتارهای انتخاباتی مردم ندارد، زیرا مردم پیش از انتخابات، بنابر پیوندهای حزبی و ...، تصمیم خود را گرفته‌اند؛ درحقیقت، شرایط اجتماعی، محیطی، اقتصادی، و فرهنگی افراد رأی‌دهنده رفتار انتخاباتی را مدت‌ها پیش از شروع انتخابات تعیین کرده است نه تبلیغات. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده در توافق با نظریات جانستون (۲۰۰۴) و (۲۰۰۱) است. زیرا این دو محقق بر آن‌اند که محل سکونت افراد و مجموعه دواستان و همسایگان تأثیر قابل توجهی در گرایش‌های سیاسی افراد در انتخابات بازی می‌کند. در نمونه مورد مطالعه نیز تفاوت الگوهای انتخاباتی بر اساس مکان سکونت در شهر خرم‌آباد معنادار است.

نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه برای مقایسه شاخص‌های مؤثر بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان در همه چهار محله مورد مطالعه نشان داد در سطح خطای ۰/۰۵ اهمیت دو شاخص تعلقات حزبی و تخصص در دو محله مطهری و شیرخورگاه برای ساکنان بیش از دو محله با میزان جدایی‌گزینی بالا (پشته حسین‌آباد و دره گرم) بوده است. همچنین، میزان انتخاب طایفه‌ای و جدایی‌گزینی با پنج شاخص (تبلیغات طایفه‌ای، متابعت محله‌ای، انتخاب محله‌ای، تعاملات اجتماعی، و منافع محله‌ای) در محله‌هایی با علایق طایفه‌ای بالا بیش از دو محله دیگر بود. این نتیجه در تطابق با نظر جانستون و همکاران (۲۰۰۴ و ۲۰۰۱) است؛ مطابق نظر آن‌ها، اثرهای همسایگی در الگوی انتخاباتی نقش بسیار مهمی داشته است. همچنین، این نتایج با نتایج رومینا و صادقی (۱۳۹۴) مبنی بر اطمینان‌بخش بودن گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی برای نمایندگان منتخب مطابقت دارد. درنهایت، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای شناسایی میزان تأثیر متغیرهای مکانی جدایی‌گزینی اکولوژیک (شامل تعاملات اجتماعی، تبلیغات طایفه‌ای، متابعت محله‌ای، منافع محله‌ای، و انتخاب محله‌ای) بر انتخاب طایفه‌ای در محلات با وابستگی‌های طایفه‌ای انجام شد. مطابق خروجی‌های این آزمون، در محله‌هایی با تعلقات طایفه‌ای، شاخص‌های تبلیغات طایفه‌ای، متابعت محله‌ای، انتخاب محله‌ای، و تعاملات اجتماعی به ترتیب طی چهار گام قادر به پیش‌بینی انتخاب طایفه‌ای بودند؛ به نحوی که این چهار عامل توانستند ۰/۵۱ درصد توان انتخاب طایفه‌ای را پیش‌بینی کنند. در این میان، فقط تعاملات اجتماعی قادر به پیش‌بینی انتخاب طایفه‌ای نبوده است. این بدان معناست که متغیرهای مورد نظر جانستون و همکاران (۲۰۰۴)، که با نام «اثرهای همسایگی» از آن‌ها یاد کرده‌اند، از فاکتورهای مؤثر در الگوی انتخاب طایفه‌ای ساکنان محلات با جدایی‌گزینی طایفه‌ای بوده است. همچنین، این نتایج در تطابق با نظریات هایدکوویچ (۲۰۱۱) است که عوامل اجتماعی، قومیتی، و جمعیت‌شناختی را در شکل‌دهی به حوزه‌های انتخاباتی پایدار و ناپایدار مؤثر می‌داند. به‌زعم وی، عوامل گفته‌شده تفاوت‌های دائمی در ترجیحات انتخاباتی

به‌وجود می‌آورد. در این راستا، نقش مهم تبلیغات طایفه‌ای در پیش‌بینی انتخاب طایفه‌ای مؤید نظر کاتز و همکاران (۲۰۱۴) است، مبنی بر اینکه میان هزینه صرف‌شده در حوزه‌های انتخاباتی و تعداد آرای به‌دست‌آمده رابطه وجود دارد. در نهایت، می‌توان گفت با توجه به دیدگاه جانستون و همکاران (۲۰۰۱ و ۲۰۰۴)، منسلی و دم‌سار (۲۰۱۵)، و چارنی و مارکینسون (۲۰۱۵)، میان وابستگی‌های درون‌مکانی و فضایی محل سکونت افراد و الگوی رأی‌دهی در محلات شهر خرم‌آباد رابطه وجود دارد. براساس نتایج این تحقیق، اثرهای همسایگی می‌تواند در الگوی انتخاباتی شهر خرم‌آباد مؤثر باشد و لازم است به نحو عمیق‌تری بررسی شود، زیرا این عوامل تفاوت‌های عمیق و دائمی در الگوهای انتخاباتی شهر خرم‌آباد به‌وجود آورده‌اند. روندهای گفته‌شده تاکنون نادیده گرفته شده‌اند؛ این در حالی است که تاکنون در هیچ مطالعه‌ای رابطه ابعاد اکولوژیکی یعنی اثر مکانی یا همسایگی و مکانی در انتخابات شهر خرم‌آباد تحلیل نشده است. مطابق نتایج این مطالعه، فرایندهای انتخاباتی در فضاهای جغرافیای شهر خرم‌آباد به‌دلیل فرایندهای اجتماعی متفاوت است. این در حالی است که عامل مکان و اثرهای همسایگی در بسیاری از محلات شهر خرم‌آباد (به‌ویژه محلاتی با میزان جدایی‌گزینی بالا) بر شکل‌گیری و تقویت الگوهای انتخاباتی پایداری (در شکل انتخاب طایفه‌ای) و سرانجام مدیریت شهری از طریق اثرگذاری آرای انتخاباتی طایفه‌ای بر انتخابات شورای شهر مؤثر بوده است.

سپاسگزاری

این تحقیق در قالب طرح پژوهشی شماره ۹۶۱۰۳۴۲۰۹۸ با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه لرستان چاپ شده است.

منابع

۱. اسفندیاری خلوت، ظهرا و بابایی اقدم، فریدون، ۱۳۹۲، جدایی‌گزینی فضایی در شهرها، چالشی فراروی توسعه پایدار شهری، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، همدان: انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه.
۲. اعظم آزاده، منصوره، ۱۳۸۲، چگونگی جدایی‌گزینی سکونت در شهر تهران، فصل‌نامه علوم انسانی، ش ۴۴-۴۵، صص ۲۵-۵۰.
۳. بایی لاشکی، مریم و پیشگاهی فرد، زهرا، ۱۳۸۸، تحلیل رفتار انتخاباتی ایرانیان (مورد مطالعه: حوزه انتخابیه نوشهر و چالوس در انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی)، فصل‌نامه پژوهشی جغرافیای انسانی، س ۱، ش ۳، صص ۹۳-۱۱۴.
۴. پیشگاهی فرد، زهرا؛ امیری، علی و انصاری‌زاده، سلمان، ۱۳۹۳، تحلیل مشارکت انتخاباتی مردم استان لرستان در انتخابات ریاست جمهوری، مجله چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، دوره ۲، ش ۲۷، صص ۱۹-۳۴.
۵. بابائی اقدم، فریدون؛ حسین‌زاده دلیر، کریم و صدرموسوی، میرستار، ۱۳۸۶، اکولوژی ازدحام شهری در حواشی شهر تبریز، جغرافیا و توسعه، ش ۹، صص ۱۶۱-۱۸۰.
۶. بابائی اقدم، فریدون؛ عطار، محمدامین؛ روشن‌رودی، سمیه و مطیع‌دوست، ابوذر، ۱۳۹۳، سنجش جدایی‌گزینی تکولوژیکی شهری با استفاده از شاخص‌های اندازه‌گیری تک‌گروهی (مطالعه موردی: شهر تکاب)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، ش ۳، صص ۴۷۷-۴۹۱.
۷. نیکفر، جاسب و اکبری، سارا، ۱۳۹۴، بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان شهر نورآباد: در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، مدیریت شهری، ش ۴۰، صص ۳۳۷-۳۵۰.
۸. عبدالله، عبدالمطلب، ۱۳۸۸، سیری در نظریه‌های رفتار رأی‌دهی، رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۸، صص ۸۷-۱۰۴.
۹. گلی، علی و مهکویی، حجت، ۱۳۹۳، الگوی فضایی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری مطالعه موردی: دوره یازدهم ریاست جمهوری، ژئوپولیتیک، دوره ۱۰، ش ۳۴، صص ۱۸۹-۲۱۳.
۱۰. تولایی، نوین و یاری، جلیل، ۱۳۹۰، بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت درون‌شهری در تهران با تأکید بر احساس نابرابری فضایی، مجله تحلیل اجتماعی، ش ۶۰، صص ۷۹-۱۱۰.
۱۱. تیموری، ایرج؛ هادلی، بهمن و صابری، حامد، ۱۳۹۶، مصرف‌گرایی نمادین و جدایی‌گزینی فضایی در شهر تبریز (مطالعه موردی: کوی فردوس و ولیعصر)، فصل‌نامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۵، ش ۴۷، صص ۱-۱۶.
۱۲. حاجی‌نژاد، علی؛ یغفوری، حسین؛ پایدار، ابوذر و سنجری، امیرارسلان، ۱۳۹۴، بررسی تأثیرات جدایی‌گزینی اکولوژیک بر امنیت پایدار اجتماعی (مطالعه موردی: شهر عنبرآباد)، پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، س ۳، ش ۱۰، صص ۳۵-۶۰.
۱۳. چلی، مسعود، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
۱۴. حیدری، نصرت‌الله و آرایش، باقر، ۱۳۹۴، واکاوی رابطه فقر اقتصادی و رفتار انتخاباتی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان ایلام، مجله علوم سیاسی، دوره ۱۱، ش ۳۰، صص ۱۶۵-۱۸۴.
۱۵. رومینا، ابراهیم و صادقی، وحید، ۱۳۹۴، بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوهای رأی‌دهی؛ مطالعه موردی شهرستان نورآباد ممسنی، فصل‌نامه ژئوپولیتیک، س ۱۱، ش ۳، صص ۸۴-۱۱۶.
۱۶. سجاسی قیداری، حمدالله؛ پورطاهری، مهدی؛ صادقی، وحید و حسینی، سید محمدحسین، ۱۳۹۵، تحلیل رابطه طایفه‌گرایی اجتماعات محلی با توسعه سیاسی در شرایط انتخاباتی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، س ۴، ش ۱، صص ۱۹-۴۶.
۱۷. سوری قریوند، حسین، ۱۳۹۰، بررسی تأثیر رقابت‌های احزاب بر رفتار انتخاباتی گروه‌های قومی خرم‌آباد در انتخابات هشتم مجلس شورای اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان.
۱۸. شکویی، حسین، ۱۳۸۲، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: سمت.

۱۹. شمس‌الدینی، علی، ۱۳۸۹، انتخابات و طایفه‌گرایی با تأکید بر روند انتخابات مجالس پنجم تا هشتم شورای اسلامی در حوزه انتخاباتی ممسنی، دانشنامه حقوق و سیاست، ش ۱۴، صص ۱۱-۴۰.
۲۰. شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ ابراهیمی‌پور، حوا؛ محمود اوغلی، رضا و ملکان، مجید، ۱۳۹۶، سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۸، ش ۱، صص ۱۹-۳۲.
۲۱. شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ میلانی، جمیل و کریمی‌راد، جواد، ۱۳۹۵، عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی انتخابات دهم ریاست جمهوری: مطالعه موردی بخش جلگه اصفهان، *فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، س ۵، ش ۱۹، صص ۱۰۲-۱۰۳.
۲۲. صادقی جقه، سعید، ۱۳۹۴، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در رفتار انتخاباتی ایرانیان، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی*، دوره ۱۸، ش ۶۹، صص ۸۹-۱۱۸.
۲۳. صالحی نجف‌آبادی، عباس، ۱۳۹۴، تجزیه و تحلیل انتخابات ریاست جمهوری در ایران: علل ناکارآمدی روش‌های اثبات‌گرایانه، *فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی*، دوره ۱۱، ش ۳۲، صص ۸۳-۱۱۵.
۲۴. طالبان، محمدرضا و میرزایی، مهدی، ۱۳۹۰، دین‌داری و رفتار انتخاباتی، *دو فصل‌نامه علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)*، س ۸، ش ۲، صص ۱۳۱-۱۶۷.
۲۵. علمدار، اسماعیل؛ راستی، عمران و احمدی، سیدعباس، ۱۳۹۵، الگوی فضایی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری (مطالعه موردی: دهمین و یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری استان خراسان جنوبی)، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۸، ش ۴، صص ۸۱۵-۸۲۹.
۲۶. فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
۲۷. قجری، حسین‌علی؛ آذین، احمد و ظفری، حیدر، ۱۳۹۰، عوامل مؤثر بر الگوی رأی‌دهی مردم شهرستان اردل در انتخابات مجلس شورای اسلامی، *فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۳، ش ۶، صص ۱۳۵-۱۷۳.
۲۸. قرنچیک، عبدالحنان، ۱۳۹۰، *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به سکونت در محلات قومی (گنوها) در شهر چندفرهنگی بندرتراکم*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران.
۲۹. گرجی‌زاده، محسن و گل‌پرور، مجید، ۱۳۹۰، تأثیر ویژگی‌های محلی فرهنگ سیاسی بر رقابت‌های انتخاباتی در ایران (مطالعه موردی: شهرستان ممسنی)، *فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۳، ش ۹، صص ۱۶۱-۱۷۰.
۳۰. مافی، عزت‌الله؛ وطن‌پرست، مهدی و رضوانی، محمدحسین، ۱۳۹۱، بررسی ساخت اکولوژیکی شهر مشهد، *دو فصل‌نامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ش ۱۸، صص ۹۹-۱۲۲.
۳۱. محمدی انالی، حسن، ۱۳۹۱، *بررسی عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی مردم شهرستان رابر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه یزد.
۳۲. محمدی‌فر، نجات؛ یوسفی جویباری، محمد؛ سوری، حسین و محمدی، منصور، ۱۳۹۲، بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر رفتار انتخاباتی (با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری نهم و دهم؛ مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)، *فصل‌نامه دانش سیاسی و بین‌المللی*، س ۲، ش ۵، صص ۱۱۵-۱۳۶.
۳۳. مرصوصی، نفیسه و صائبی، محمدحسین، ۱۳۸۸، تحلیل جغرافیایی تأثیر اکولوژی اجتماعی بر توسعه کالبدی شهر (مطالعه موردی: شهر مشهد)، *فصل‌نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، شماره پیش‌شماره، صص ۷۳-۹۳.
۳۴. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان لرستان*.
۳۵. مسعودنیا، حسین و مهدی‌پور، آسیه، ۱۳۹۰، *فرهنگ سیاسی-قبیله‌ای و مشارکت سیاسی در استان ایلام*، *مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۲۶، صص ۶۱-۹۰.
۳۶. مهدوی، مسعود، ۱۳۹۲، *مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران*، تهران: انتشارات سمت.

۳۷. مهندسان مشاوره بعد تکنیک، ۱۳۹۱، طرح جامع شهر خرم‌آباد.
۳۸. یزدانی، محمدحسن؛ سلطانی، علی؛ نظم‌فر، حسین و عطار، محمدامین، ۱۳۹۵، سنجش جدایی‌گزینی مسکونی پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی اندازه شهر شیراز با استفاده از شاخص‌گیری چندگروهی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، س ۱۶، ش ۴۲، صص ۱۹۷-۲۲۲.
39. Alamdar, S.; Rasti, O. and Ahmadi, S. A., 2017, Spatial Pattern Of Participation In Presidential (Case Study: Tenth And Eleventh Presidential Election In South Khorasan Province), *Human Geography Research Quarterly*, Vol. 48, No. 4, PP. 815-829.
40. Azam Azadeh, M., 2003, How Residential segregation in Tehran, *Humanities sciences Quarterly*, No. 44-45, PP. 25-50.
41. Baie Lakshaki, M. and Pishgahi Fard, Z., 2009, Analysis of Electoral Behavior of Iranians (Case Study: Noshahr and Chalus Electoral Areas in the 8th Islamic Consultative Assembly), *Human Geography Quarterly*, Vol. 1, No. 3, PP. 93-114.
42. Center for Statistics of Iran, 2016, *Population and Housing Census of Lorestan Province*.
43. Chalabi, M., 1996, *Sociology of Order*, First Edition, Tehran: Nashre Ney.
44. Engineers of Adviser technically, 2012, *Comprehensive Plan of Khorramabad City*.
45. Fakouei, N., 2004, *Urban Anthropology*, Tehran: Ney publication.
46. Feitosa, F.; Camara, G.; Monteiro, A. and Koschitzki, T., 2007, Global and Local Spatial Indices of Urban Segregation, *International Journal of Geographical Information Science*, Vol. 21, No. 3, PP. 299-323.
47. Firman, T., 2004, New town development in Jakarta Metropolitan Region: A perspective of spatial segregation, *Habitat international*, Vol. 28, No. 3, PP. 349-368.
48. Johnston, R. J.; Pattie, C. J.; Dorling, D. F. L.; MacAllister, I.; Tunstall, H.; Rossiter, D. J., 2001, Social location, spatial locations and voting at the 1997 British general election: evaluating the sources of Conservative support, *Political Geography*, Vol. 20, No. 1, PP. 85-111.
49. Johnston, R.; Kelvyn, J.; Sarker, R.; Propper, C.; Burgess, S. and Bolster, A., 2004, Party support and the neighbourhood effect: spatial polarization of the british electorate, 1991-2001, *Political Geography*, Vol. 23, No. 4, PP. 367-402.
50. Haydukiewicz, L., 2011, Historical and geographic regionalization versus electoral geography, *Procedia social and behavioral sciences*, Vol. 19, PP. 98-111.
51. Kolev, K., 2014, The contingent effect of institutions: electoral formulas, ethnic polarization, and election quality, *Electoral studies*, Vol. 35, PP. 200-214.
52. Cutts, D.; Webber, D.; Widdop, P.; Johnston, R. and Pattie Charles, 2014, With a little help from my neighbours: a spatial analysis of the impact of local campaigns at 2010 British, *General election*, Vol. 34, PP. 216- 231.
53. Charney, I. and Malkinson, D., 2015, Between electoral and urban geography: voting patterns and socio-spatial dynamics in Tel Aviv, *Applied geography*, Vol. 58, PP. 1-6.
54. Babaei Agdam, F.; Hossein-zadeh Dalir, K. and Sadr-mousavi, M., 2008, Ecology of urban crowding in the urban fringes of Tabriz, *Geography and development Iranian journal*, Vol. 5, No. 9, PP. 161-180.
55. Babaei Agdam, F.; Attar, M. A.; Roshan Roodi, S. and Motidoost, A., 2015, Measuring urban ecological segregation by one group measures (case study: Tkab city), *Human geography research quarterly*, Vol. 47, iss. 93, PP. 477-491.
56. Nikfar, J. and Akbari, S., 2015, Nurabad electoral behavior of citizens in the ninth parliamentary elections, *Urban management*, No. 40, PP. 337-350.

57. Abdollah, A., 2009, a review in voting behavior theories, the Islamic revolution approach, No. 8, PP. 87-104
58. Goli, A. and Mahkoei, H., 2014, Spatial patterns of participation in presidential elections case study: the eleventh presidential, *Geopolitics*, Vol. 10, No. 34, PP. 189-213.
59. Shahramniya, A.; Milani, J. and Karamirad, J., 2017, Analysis of factors affecting electoral behavior with emphasis on the theory of political economy and ideology domination in the tenth presidential election (case study: district of Jolgeh in Isfahan), Vol. 5, No. 19, PP. 75-102.
60. Mansley, E. and Demsar, U., 2015, Space matters: geographic variability of electoral turnout determinants in the 2012 London mayoral election, *Electoral studies*, Vol. 40, PP. 322-334.
61. Ghajari, H. A.; Azin, A. and Zafari, H., 2011, Factors Affecting the Model of Voting in Ardal County in the Parliamentary Elections, *Quarterly Journal of Political and International Research*, Vol. 3, No. 6, PP. 135- 173.
62. Gheranjik, A. H., 2011, *The Study of Social Factors Affecting the Propensity to Reside in Ethnic Places (Ghettoes) in Bandar-Torkman Multicultural City*, Master's Thesis in Social Sciences Research, Mazandaran University.
63. Gorgizzadeh, M. and Golparvar, M., 2011, The Impact of Local Political Culture on Electoral Competitions in Iran (Case Study, Mamasani County), *Quarterly Journal of Political and International Studies*, Vol. 3, No. 9, PP. 161-170.
64. Hajinejad, A.; Yaghfour, H.; Paidar, A. and Sanjari, A.A., 2015, Investigating the Effects of Ecological segregation on Sustainable Social Security (Case Study: Anberabad City), *Law Enforcement Geography*, Vol. 3, No. 10, PP. 35-60.
65. Heidari, N.A. and Araiesh, B., 2015, Analysis of Relationship between Economic Poverty and Electoral Behavior: Case Study of Islamic Azad University Students in Ilam Province, *Political since quarterly*, Vol. 11, No. 30, PP. 165-184.
66. Heywood, A., 2002, *Politics*, London: Pal grave Foundations.
67. Lee, J. Y. and Kwan, M. P., 2011, Visualisation of Socio-Spatial Isolation Based on Human Activity Patterns and Social Networks in Space-Time, *Tijdschrift voor economische en sociale geografie*, Vol. 102, No. 4, PP. 468-485.
68. Mafi, E.; Vatanperast, M. and Rezvani, M. H., 2012, Investigating ecological construction of Mashhad city, *Two quarterly of geography and areal development*, No. 18, PP. 99-122.
69. Mahdavi, M., 2013, *Introduction to Rural Geography of Iran*, Tehran: Samt Publication.
70. Marsousi, N. and Saebi, M. H., 2009, Geographical analysis of Impact of Social Ecology on City's Physical Development (Case study: Mashhad city), *Geography and Regional Planning Quarterly*, Vol. 1, Preview Number, PP. 73-93.
71. Masoudnia, H. and Mehdi Pour, A., 2010, Political- Tribal Culture and Political Participation in Ilam Province, *Journal of Political and International Approaches*, No. 26, PP. 61-90.
72. Mohammadi Anabi, H., 2012, *Investigating the Factors Affecting the Electoral Behavior of People in Rabar City*, Master's Degree in Political Science, Yazd University.
73. Mohammadifar, N.; Yousefi Jouibari, M.; Suri, H. and Mohammadi, M., 2013, Investigating the Socioeconomic Factors Affecting Electoral Behavior (With Emphasis on Ninth and Tenth Presidential Elections; Case Study of Kermanshah City), *Political and International Knowledge*, vol. 2, No. 5, PP. 115-136.
74. Pishgahi Fard, Z.; Amiri, A. and Ansarizadeh, S., 2014, Analysis of electoral participation of the people of Lorestan Province in the presidential election, *Quarterly Journal of the studies of Human settlements planning*, Vol. 2, No. 27, PP. 19-34.

75. Reardon, S. and O'Sullivan, D., 2004, Measures of Spatial Segregation. *Sociological Methodology*, Vol. 34, No. 1, PP. 121-162.
76. Romania, I. and Sadeghi, V., 2015, Investigating the Effect of tribalism on Voting Models; A Case Study of Noorabad Mamsani, *Quarterly Journal of Geopolitics*, Vol. 11, No. 3, PP. 84-116.
77. Sadeghi Jeghe, S., 2015, Investigating Social Factors Affecting Iranian Election Behavior, *Journal of Strategic Studies*, Vol. 18, No. 69, PP. 89-118.
78. Sajasi Gheidari, H.; Pourtaheri, M.; Sadeghi, V. and Hosseini, S. M. H., 2015, Analysis of the Relationship between Tribalism of Local Communities and Political Development in Electoral Conditions (Case Study: Noorabad Mamsani city), *Geography and Development Magazine*, Vol. 4, No. 1, PP. 19-46.
79. Salehi Najafabadi, A., 2015, Analysis of Presidential Elections in Iran: Causes of Ineffectiveness of Positivist Techniques, *Political Sciences Quarterly*, Vol. 11, No. 32, PP. 83-115.
80. Sfandyri khalvat, Z. and Babaie Aghdam, F., 2013, Special segregation in cities, a challenge to sustainable urban development, *First National Conference on Architecture, Restoration, Urbanism and Sustainable Environment*, Hamedan: Association of Hegmatane Environment Evaluators.
81. Shahram Nia, A. M.; Milani, J. and Karami Rad, J., 2016, Factors Affecting the Electoral Behavior of the 10th Presidential Election: A Case Study: the Isfahan jolgeh district, *Strategic Policy Research Quarterly*, Vol. 5, No. 19, PP. 75-102.
82. Shahramnia, A. M.; Ebrahimipour, H.; Mahmoud Oghli, R. and Malekan, M., 2017, Measurement of the Effect of Social Networks on Political Participation: A Case Study: Mazandaran University Students, *Applied Sociology*, Vol. 28, No. 1, PP. 19-32.
83. Shala, V. and Quainoo, R., 2007, Ethnic Dwelling Segregation In Rosengård, Malmö högskola Hälsa och samhälle, [on line]:<http://dSPACE.mah.se/bitstream/handle>
84. Shamsuddini, A., 2010, Elections and tribalism with emphasis on the election process of the fifth to eighth parliamentary elections in the Mamasani constituency, *Ehe Law and Policy*, No. 14, PP. 11-40.
85. Shokouhi, H., 2003, *New Views in Urban Geography*, Tehran: Samt Publications.
86. Sieberer, U., 2010, Behavioral consequences of mixed electoral systems: Deviating voting behavior of district and list MPs in the german bundestag , *Electoral Studies*, Vol. 29, No. 3, PP. 484-496.
87. Suri Qarlivand, H., 2011, *The Effect of Parties' Competitions on Electoral Behavior of Ethnic Groups of Khorramabad in the 8th Majles of the Islamic Consultative Assembly*, Master's Degree in Political Science, Islamic Azad University of Isfahan.
88. Taliban, M. R. and Mirzai, M., 2011, Religion and Electoral Behavior, *Two quarterly of Social Sciences (Ferdowsi University of Mashhad)*, Vol. 8, No. 2, PP. 131-167.
89. Tavallayi, N. and Yari, J., 2011, Investigating the Factors Affecting on Inclination to Intra Urban Migration in Tehran with Emphasis on Spatial Inequality Sensation, *Journal of Social Analysis*, No. 60, PP. 79-110.
90. Teymuri, I.; Hadily, B. and Saberi, H., 2017, Symbolic Consumption and Spatial segregation in Tabriz City (Case Study: Koie of Ferdows and Vali Asr), *Geography and Development Quarterly*, Vol. 15, No. 47, PP. 1-16.
91. Watts, M., 2005, Conceptualising and measuring spatial segregation: the state of play, proceedings of the ARCRNSISS Methodology, tools and Techniques and spatial theory paradigm forums workshop, Australia: University of Newcastle.
92. Yazdani, M. H.; Soltani, A.; Nazm Far, H. and Attar, M. A., 2015, Measurement of residential segregation of socio-economic bases of Shiraz city using multi-indexed indicators, *Applied Research of Geography quarterly*, Vol. 16, No. 42, PP. 197-222.